



علی سلطانی

خبرنگار

لژیونر شدن به چه قیمتی؟

حضور طولانی «کی‌روش» در فوتبال ایران، موضوعی را باب کرد که شاید مدتی به نفع فوتبال بود، اما کم کم دارد به بیراهه کشیده می‌شود. زمانی که اصغر فرهادی برای «جدایی نادر از سیمین» نخستین اسکار تاریخ سینمای ایران را گرفت، این اسکار به غیر از افتخاری که برای سینمای ایران به همراه داشت، ضایعاتی را هم به آن تحمیل کرد. سینمای ایران بعد از مدتی دچار سندرم «اسکار فرهادی» شد و بخش مهمی از کارگردانان جوان سینما شروع کردند به موج سواری روی ژانر ملودرام‌های اجتماعی ملتهب و پر تنش و البته چون هوش، قدرت نویسندگی و تسلط فرهادی را نداشتند، حاصل کارشان به آثار ی متوسط و زیر متوسط تبدیل شد و سینمای ایران را چند سالی دچار تقلید و رکود کردند. حالا پس از موفقیت نسبی از لژیونرها که با اصرار کی‌روش راهی اروپا شده بودند، فوتبال ایران هم دچار سندرم «لژیونر شدن به هر قیمتی» شده است. بله، زمانی یکی از شروط مهم کی‌روش برای دعوت از بازیکنان به تیم ملی، حضور آن‌ها در باشگاه‌های خارجی بود، اما الان نه کی‌روشی هست و نه بازیکنان ما به باشگاه‌های درست می‌روند. بحث کم‌ارزش شدن ریال و دریافت حقوق به دلار و یورو هم مزید بر علت شده تا بازیکنان جوان فوتبال ایران بدون توجه به عواقب حضور در باشگاه‌های دسته دو قطر و لیگ ضعیف کشورهایی مثل یونان، تایلند و حتی آذربایجان، فقط به صرف لژیونر شدن و دریافت دلار از ایران خارج شوند. حتماً سرنوشت امثال «صادق محرمی» و «فرشاد احمدزاده» که روزگاری ستارگان لیگ بودند خاطرتان هست که چه بلایی در لهستان و کرواسی بر سرشان آمد. به نظر می‌رسد تنها کسی که می‌تواند جلو این مسیر معیوب را سد کند، «مارک ویلموتس» است. توجه بیشتر او به بازیکنان لیگ باعث انگیزه بیشتر فوتبالبست‌های داخلی خواهد شد.

موقت یادا ئم؟



به این چهره‌های خوشحال نگاه کنید. هوای منچستر چند فصل است برای نیمه آبی‌اش آفتابی و برای سرخ‌های آن، ابری است. یونایتدی‌ها که روزگاری سمبل شهرشان بودند، حالا نه برای قهرمانی، که برای گرفتن سهمیه لیگ قهرمانان می‌جنگند و قافیه را به همشهری‌های نوکیسه‌شان واگذار کرده‌اند. شروع منچستر در لیگ امسال توفانی بود، برد چهار بر صفر، مقابل چلسی می‌تواند زمینه‌ساز فصل درخشانی باشد، ولی تجربه‌نشان داده بیماری یونایتد و خیم‌تر از این حرف‌هاست و این درخشش‌ها پایدار نیست.

برنامه لیگ برتر

چهاره هفته

قرعه کشی لیگ برتر بالاخره انجام شد و کشور بعد از مدت‌ها حال و هوای فوتبالی گرفت. بر خلاف سال‌های گذشته این فصل، همان چند هفته اول چندبازی کلیدی و حساس برگزار خواهد شد. تراکتورسازی و پرسپولیس در هفته دوم به جنگ هم خواهند

بازی ناجوانمردانه!

چرا یک سازوکار نظارت مالی بر عملکرد باشگاه‌های لیگ وجود ندارد؟



مسئله یا به عبارت بهتر، «معضل» تزریق پول‌های ناسالم چند سالی است گریبان فوتبال را گرفته. در چند سال اخیر بارها شاهد حضور ثروتمندانی در کنار ستارگان فوتبال بوده‌ایم که منبع در آمدشان آشکارا محل سوال بوده و حتی چند نفر از آن‌ها با اتهامات سنگین، راهی دادگاه‌ها شده‌اند. با این حال همچنان سازوکار نظارتی مشخصی برای جلوگیری از حضور این افراد وجود ندارد. آیا با توجه به اتهامات ثابت‌شده افرادی با این پیشینه، وقت آن نرسیده که قانون «فیر پلی مالی» در ایران هم اجرایی شود؟

موضوع روز پیش زمینه‌های تصویب یک قانون

بعد از حضور ثروتمندان حوزه‌های صنعتی در فوتبال و سرمایه‌گذاری آن‌ها روی باشگاه‌های ورزشی که نمونه بارزش خرید باشگاه چلسی توسط «رومن آبراموویچ» بود، «یوفا» به فکر تدوین قوانینی افتاد که جلوگیری از خروج‌های بی حساب باشگاه‌ها را بگیرد. این قانون عملاً برای جلوگیری از ریخت و پاش مالکانی که از کشورهای غیراروپایی به اروپا آمده بودند و پیشگیری از پول شویی‌های احتمالی آن‌ها تصویب و به شکل سفت و سختی اجرا شد. در سال‌های اخیر باشگاه چلسی زیر نظر یک مالک روسی، منچستر یونایتد زیر نظر آمریکایی‌ها یا پاریسن ژرمن توسط قطری‌ها اداره می‌شود. ولخرجی این مالکان در خرید بازیکنان بزرگ با قیمت‌های گزاف باعث ایجاد چند معضل شد: اول اینکه باشگاه‌های کوچک‌تر به دلیل توان مالی کم، دیگر از پس رقابت با غول‌های ثروتمند بر نمی‌آیند، دوم اینکه نرخ دستمزدها برای بازیکنان به خاطر همین ولخرجی‌ها و تاخت و تاز ایجنت‌ها به شکل سرسام‌آوری بالا رفت و به در دس‌های حقوقی زیادی منجر شد. سوم هم اینکه این حضور

موجب شد، پول‌های هنگفت و نامشخص زیادی در قالب شرکت‌های صوری در پشت پرده جابه‌جا شود و احتمال گسترش فساد در پوشش فوتبال افزایش پیدا کند. تنها یکی از همین دلایل هم کافی بود تا یوفا برای جلوگیری از گسترش فساد، دست به کار شود و قوانینی تصویب کند که لاقلاً متخلفان را به در دس‌رو زحمت‌های فراوانی بیندازد.

فیر پلی مالی چیست؟

شکل ساده این قانون این است: دخل و خرج باشگاه‌ها باید یکی باشد و هیچ باشگاهی نباید به هیچ کدام از اعضای فعلی و سابق خود حتی یک سنت بدهکار باشد. طی این قانون، باشگاه‌های اروپایی موظف می‌شوند تا از سرازیر شدن حمایت‌های مالی غیر قابل توجیه که عموماً از طریق انعقاد قرارداد با شرکت‌های صوری و در اصل از جیب مالکان ثروتمند آن‌ها تامین می‌شود، جلوگیری کنند. طبق این قانون، هر باشگاه تنها مجاز است پنج میلیون یورو معادل ۵/۶ میلیون دلار آمریکا، بیشتر از در آمدشان هزینه کنند. این در آمد و هزینه، طی دوره‌های سه‌ساله توسط یوفا بررسی خواهد شد. البته

این دخل و خرج استثناً هم دارد. طبق این استثنا تیم‌ها مجازند تا سقف ۳۰ میلیون یورو برای ارتقای کیفیت استادیوم، لوازم تمرینی، تیم‌های پایه و تیم فوتبال زنان خرج کنند و یوفا این مبلغ را در حسابرسی‌های خود نادیده خواهد گرفت. هزینه‌های فوتبالی مثل نقل و انتقالات و حقوق بازیکنان باید با در آمدی که از حق پخش تلویزیونی و بلیت فروشی در روزهای بازی و هر گونه پولی که از فعالیت‌های تجاری باشگاه کسب می‌شود، تامین شود.

در ایران چه خبر است؟

هنوز هیچی! در شرایطی که نیاز به اختراع چرخ نیست و این قوانین به‌طور کامل و دقیقی توسط یوفا تدوین و توسط فیفا به‌طور کامل تأیید شده است، فوتبال ایران همچنان محل یکه‌تازی ثروتمندانی است که منشأ درآمد آن‌ها مشخص نیست. باشگاه‌های دولتی مثل پرسپولیس و استقلال بدون حساب و کتاب دقیق از افراد ثروتمند مالی را تحت عنوان «کمک» دریافت می‌کنند، افرادی که بعضی از آن‌ها هم اکنون لباس راه‌راه بر تن دارند و در زندان، آب خنک

ترین‌ها



مشکوک ترین

بعد از حوادث تلخ و وحشتناکی که در دیدار سپاهان و پرسپولیس اتفاق افتاد، انتظار می‌رفت کمیته انضباطی واکنش محکمی به این اتفاقات داشته باشد و هواداران دو تیم را محروم و نفر داغ کند، حتی در حکم اولیه فدراسیون هم محرومیت دو تیم از داشتن تماشاگر در بازی اول لیگ ابلاغ شده بود. اما هفته پیش خبر رسید این محرومیت تعلیقی بوده و دو تیم فعلاً می‌توانند بازی‌های خود را با تماشاچی برگزار کنند. این خبر وقتی مشکوک‌تر شد که واژه «تعلیق» در حکم قبلی وجود نداشت و در حکم جدید اضافه شده بود! فدراسیون هم اعلام کرد محرومیت دو تیم از ابتدا تعلیقی بوده و این سوء تفاهم به‌خاطر اشتباه تایپی رخ داده است! از آن اتفاقات عجیبی که فقط در فوتبال ایران نمونه‌اش را سراغ داریم.



آینده دار ترین

یک اتفاق خوب برای فوتبال بانوان کشور! گلنوش خسروی در ۱۸ سالگی به لیگ برتر ترکیه پیوست و لژیونر شد. بازیکن تیم ملی جوانان کشور که پیش از این در ذوب آهن توپ می‌زد، حالا با باشگاه «کوناک اسپور» ترکیه قراردادی دو ساله بسته تا فوتبالتش را در این کشور ادامه دهد. بعد از حضور «الهییار صیادمنش» در فتر باغچه، این دومین انتقال دو بازیکن جوان فوتبال ایران به باشگاه‌های خوب ترکیه‌ای است. با توجه به زیرساخت‌های کم تقص فوتبال در ترکیه و محبوبیت این ورزش در کشور همسایه، حضور یک فوتبالبست دختر با این سن کم را باید به فال نیک گرفت. امیدواریم حضور خسروی در لیگ مطرح ترکیه با موفقیت همراه شود و مسیر را برای بازی سایر بانوان فوتبالبست در کشورهای اروپایی هموار کند.



بدشانس ترین

به نظر می‌رسد در لیگ جزیره، امسال هم رقابت اصلی برای قهرمانی بین سیتی و لیورپول باشد. شروع توفانی این دو تیم در هفته اول مسابقات، نشان از توپ پر «پپ» و «کلوپ» برای قهرمانی داشت. «پپ» برای تکرار سه‌باره قهرمانی خواهد جنگید و «کلوپ» برای کسب عنوان قهرمانی بعد از چند دهه! این وسط بدقابلی بزرگی گریبان لیورپولی‌ها را گرفت؛ «آلیسون بکر» گلر و یکی از عوامل اصلی موفقیت‌های این تیم در فصل گذشته به شدت در بازی افتتاحیه لیگ مصدوم شد! مصدومیتی که حداقل بین ۸ تا ۱۰ هفته ادامه خواهد داشت و ممکن است بدجوری به ضرر شاگردان «کلوپ» تمام شود. لیورپولی‌ها دو فصل قبل، قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را به دلیل اشتباهات وحشتناک دروازه‌بان سابق شان باختند.



رضا سخاوت

روزنامه‌نگار

شاهد از غیب رسید!

هفته پیش مطلب مفصلی را به این موضوع اختصاص دادیم که یکی از بدیهی‌ترین اختیارات هر مربی در همه جای دنیا این است که تیمش را خودش ببندد و از بلایی گفتیم که در پرسپولیس سر «کالدرون» آمده و مربی آرژانتینی فقط یکی از بازیکنان موردنظرش را به دست آورده که تازه آن هم انتخاب اول «کالدرون» نبود! حالا در سست در آستانه شروع لیگ، استقلال‌ها که فکر می‌کردند دوران حضيض به‌سر آمده و امسال بدون حاشیه وارد مسابقات خواهند شد، چند شوک اساسی دریافت کردند. اول اینکه «هروویه میلیچ» مدافع سابق «ناپولی» و «فیورنتینا» که به‌شدت مورد علاقه «استراماچونی» هم بود، به‌محض ورود به ایران به‌دلیل نامشخصی بلیت برگشت گرفت و ایران را با عصبانیت و ناراحتی به مقصد کشورش، کرواسی ترک کرد. چند ساعت بعد از این اتفاق، یک خبرنگار ایتالیایی نزدیک به مربی استقلال، از تصمیم «استراماچونی» برای استعفا از مربی‌گری استقلال، ۴۸ ساعت پس از ترک بازیکن کروات، پرده برداشت. چند ساعت بعد از توثیت شوکه‌کننده خبرنگار ایتالیایی، همسر «استراماچونی» هم با گذاشتن پست موقتی در اینستاگرام، این‌خبر را تلوینا تایید کرد. باشگاه استقلال تا به امروز هیچ کدام از بازیکنان خارجی موردنظر سرمربی‌اش را نتوانسته جلب کند و این موضوع اصلاً به مذاق «استراماچونی» خوش نیامده، ضمن اینکه «علی خلیسر» بزرگ‌ترین حامی این مربی با باشگاه استعفا داده و حالا سرمربی ایتالیایی شرایط را برای ادامه کار در این تیم مناسب نمی‌بیند. بدتر از همه اینکه حالا دست او برای توجیهات احتمالی در پایان فصل باز است و اگر استقلال این فصل هم موفق به نتیجه‌گیری نشود، خیلی راحت می‌شود این ناکامی را گردن مدیران این تیم انداخت که مهره‌های موردنظر مربی‌شان را جلب نکردند. حضور یک مربی در ابعاد «استراماچونی» برای باشگاه بحران‌زده‌ای مثل استقلال غنیمت است و مشخص نیست مشکل مدیران این تیم در جذب بازیکنان خارجی چیست. اگر باشگاه با وزارت ورزش در تامین ارز مشکل دارد، چرا از همان اول و موقع مذاکره با مربیان خارجی، روی این محدودیت‌ها تأکید نمی‌شود؟ و از یک سو در دو باشگاه محبوب که تمام بودجه‌شان از جیب دولت (بخوانید مردم) تامین می‌شود، چرا باید سراغ بازیکنان خارجی رفت؟ در شرایطی که حتی فروش نفت به سختی انجام می‌شود، آیا خرید بازیکن خارجی توسط یک باشگاه دولتی ضرورت است؟ بله، خرید بازیکن بدون در نظر گرفتن ملیت حق یک مربی است، اما وقتی در کشور ما شرایط این قدر سخت است و باشگاه‌های دولتی هم بی‌پول هستند، موقع عقد قرارداد با مربیان خارجی باید کمی صادقانه‌تر برخورد کرد و به او گفت که خرید بازیکن خارجی بسیار سخت و حتی غیرممکن است.